

مهناز انصاریان؛ بازیگر سریال «پس از باران» در گفت و گو با «صبا»:

«شیرین» با زندگی کنار آمده بود



شهربانو جمعه‌پور

گفت و گو

مهناز انصاریان در سال ۱۳۵۴ در تهران به دنیا آمد. او نویسنده و بازیگر تلویزیون و سینماست و کار خودش را در سال ۱۳۶۴ با فیلم «کلید» آغاز کرد. از جمله مجموعه‌های تلویزیونی که انصاریان در آن‌ها حضور داشته است، می‌توان به «مرگ تدریجی یک رویا» و «پس از باران» اشاره کرد. او در فیلم‌های سینمایی «قصه پریا»، «میکس»، «هفت سنگ»، «می‌خواهم زنده بمانم»، «شهر خاکستری» و «کلید» نیز حضور داشته است. انصاریان اکنون از دنیای بازیگری خداحافظی کرده و مشغول نگارش رمان‌ها و کتاب‌هایش است. انصاریان ایفاگر نقش دلچسب «شیرین» در سریال «پس از باران» است و کمتر کسی است که او را در این نقش به‌یادماندنی به یاد نیاورد. «شیرین» دختر نوجوانی بود که به‌عنوان همدم و مونس «شهربانو»، قربانی هوس‌های غلام شد. این مجموعه و بازی انصاریان چنان جذاب بود که بازپخش‌های متعددی داشت از جمله بازپخش از شبکه‌های آی‌فیلم و در بازپخش سریال «پس از باران» از کانال انگلیسی شبکه آی‌فیلم مورد استقبال قرار گرفت و این موضوع از بازخوردهای آن برای رسانه ملی و معاونت برون مرزی مورد توجه عوامل سازنده قرار گرفت با همین بهانه و برای پیگیری از برنامه‌های هنری این هنرمند خوب کشور پای صحبت‌های او نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

سریال «پس از باران» از آی‌فیلم انگلیسی پخش شد آیا این مجموعه را دیده‌اید و نظری درباره دوبله‌اش دارید؟

نه؛ متأسفانه سریال را با دوبله ندیده‌ام.

به نظر تان «پس از باران» در نهایت چگونه سریالی شد؟

این که مردم دوستش داشتند و بارها از شبکه‌های مختلف بازپخش شده است و هنوز هم بینندگان آن را می‌بینند، نشان می‌دهد که سریال خوب و موفق‌ی بوده است.

به نظر تان چرا این اتفاق افتاد و سریال تا این حد موفق شد؟

فکر می‌کنم واقعی بودن شخصیت‌های داستان تأثیر زیادی در پذیرش نزد مردم داشته است. بینندگان سریال را دوست داشتند و با شخصیت‌هایش هم‌ذات‌پنداری می‌کردند. به نظر من مهم‌ترین دلیل محبوبیت «پس از باران» همین بود.

چگونه شد که شما برای نقش «شیرین» انتخاب شدید؟

راستش را بخواهید برای خودم هم این سؤال پیش آمد. من از عوامل مجموعه پرسیدم که چرا از بازیگران مطرح دیگر مثلاً از خانم ژاله علو نمی‌خواهند که این نقش را بازی کنند، اما کارگردان گفتند که کار مرا در فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» دیده‌اند و دوست دارند که من این نقش را بازی کنم.

در این کار گریم سنگینی داشتید و باید شما را پیر می‌کردند، درباره این موضوع لطفاً توضیح بدهید و این که آیا این موضوع برایتان سخت نبود؟
بله؛ همان‌طور که گفتید «شیرین» یک زن مسن است که خاطراتش را تعریف می‌کند. هوا گرم بود و باید گریم سنگینی روی صورت من انجام می‌شد تا به آن سن و سال دربیایم. به‌طور کلی گریم‌های سنگین مشکلاتی را برای بازیگران به وجود می‌آوردند و به‌ویژه این که هوا هم خیلی گرم بود و بر سختی این کار اضافه می‌شد.

کاراکتر «شیرین» چه جذابیت‌هایی برایتان داشت؟

«شیرین» زنی است که در شرایط سختی زندگی می‌کند. مشکلات زندگی را برمی‌تابد و باید در کنار همسری زندگی کند که هیچ تناسبی به لحاظ روحی با او ندارد. او باید با وجود این مشکلات به زندگی ادامه دهد و با سرنوشتش کنار بیاید. این شرایط باعث شده بود که او زن خاص و منحصربه‌فرد و البته مظلومی باشد. تمام این‌ها به زیبا شدن نقش کمک می‌کرد. در پیرامون این زن همیشه مشکلاتی وجود داشت که او مجبور به تحمل آن‌ها بود. درواقع ما شاهد یک بعد انسانی در این شخصیت هستیم که مجبور است جبر زندگی را تحمل کند و همه چیز را باور و قبول داشته باشد. به‌طور کلی او با زندگی سر جنگ نداشت. با همه چیز با مسامحه برخورد می‌کرد. فکر می‌کنم مثال‌های زیادی از این زنان را در جامعه خودمان چه در قدیم و چه در حال حاضر داریم. اگرچه شرایط این زن اسفناک و غم‌انگیز است، اما ایفای این نقش می‌تواند جذاب باشد.

ماندگار شدن این سریال برایتان قابل پیش‌بینی بود؟

بله؛ این موضوع برایم قابل پیش‌بینی بود، وقتی در این پروژه کار می‌کردم، مطمئن بودم که توجه زیادی به آن جلب خواهد شد. وقتی داستان را خواندم متوجه شدم که یک ظلم ناخواسته به «شیرین» تحمیل شده و این ظلم در این داستان روایت می‌شود. این چیزها معمولاً برای مردم جذاب است. در این سریال خان‌سالاری و روابط فئودالی روایت می‌شود و مردم متوجه می‌شوند که در یک برهه تاریخی چقدر این خان و خان‌بازی قوی بوده است. این شرایط برای مردم جذابیت دارد، اگر چه تأسفانگیز هم هست.

نقش «شیرین» چه جایگاهی در کارنامه هنری تان دارد؟

در این نقش به من توجه زیادی شد، به‌ویژه این که در این نقش بسیار مظلوم بودم و به همین دلیل مورد توجه مردم قرار گرفتم. شخصیت «شیرین» جذاب بود. کسی بود که هیچ راه چاره‌ای نداشت و خودش باید به خودش کمک می‌کرد و به‌گونه‌ای با دیگران مدارا می‌کرد. جالب بود که وقتی مردم مرا در کوچه و بازار می‌دیدند با نام «شیرین» صدا می‌زدند. برخی مرا بغل می‌کردند و می‌بوسیدند. یک نفر به من می‌گفت، من وقتی در آشپزخانه بودم به بچه‌ها می‌سپردم که وقتی «شیرین» آمد مرا صدا کنید تا بیایم. این نوع واکنش‌ها نشان می‌داد که نقش به دل مردم نشست‌ه است و آن‌ها کار را دوست داشته‌اند، به همین دلیل این کار را دوست دارم و به لحاظ حرفه‌ای هم جایگاه خوبی در کارنامه‌ام دارد.

سریال‌سازی در بیست سال قبل چه تفاوتی با الان کرده است؟

نمی‌دانم این حرفی که می‌زنم درست است یا نه، اما شما به سریال‌هایی که الان ساخته می‌شود نگاه کنید. به لحاظ قصه اتفاق خاصی در آن‌ها نمی‌افتد. فکر می‌کنم به‌نوعی گرفتار تکرار شده‌ایم. فکر می‌کنم در دو دهه پیش کارها قوی‌تر بود و سریال‌های بهتری ساخته می‌شد.

می‌خواهم از اینجا دوباره اعلام کنم که من مانند یک قهرمان و در اوج عزت و نه در ذلت از دنیای بازیگری خداحافظی کرده‌ام. الان مشغول نوشتن رمان‌ها و کتاب‌هایم هستم و از این که این تصمیم را گرفته‌ام، خوشحالم.

یادداشت

نگاهی به سریال ماورایی آی‌فیلم عربی

«ملکوت» حاج فتاح و فرشته

زهراصلواتی

ساخت مجموعه‌های نمایشی در ژانر ماورایی در تلویزیون آغازی داشت و پائانی؛ نقطه آغازش «او یک فرشته بود» و خط پایانش «ملکوت». محمدرضا آهنج در مقام کارگردانی که سریال‌هایی همچون «عملیات ۱۲۵» و «آسمان من» را در کارنامه خود داشت با مجموعه «ملکوت»، شانس خود را در ساخت آثار ماورایی نیز آزمود و نتیجه کارش البته چندان به مذاق منتقدان و مخاطبان خوش نیامد و اقبال عمومی ندید. سریال «ملکوت» برای اولین بار در رمضان سال ۱۳۸۹ از شبکه دو سیما روی آنتن رفت. این سریال داستان «حاج‌فتاح سلطانی»، کارخانه‌دار متومولی را روایت می‌کند که دچار مرگ مغزی شده و به کما می‌رود. «سرمست» داماد «حاج‌فتاح» با بازی رضا رویگری از این فرصت استفاده کرده و سعی در تصاحب اموال او دارد. «حاج‌فتاح» که به اتمسفری شبیه عالم برزخ وارد شده، با فرشته‌ای همراه می‌شود که آمده است تا مروری داشته باشد بر کارهای او در زمان حیات و در این مسیر، رفت‌وآمدهایی میان عالم برزخ و دنیا صورت می‌گیرد.

سریال «ملکوت» برای نشان دادن مختصات و ویژگی‌های عالم برزخ به مخاطب، نگاه خاصی دارد به بهره‌گیری از جلوه‌های ویژه و تکنیک‌های رایانه‌ای و تمام توان خود را به کار می‌گیرد تا این عالم را برای بینندگان واقعی و البته پر از رمز و راز جلوه دهد؛ تلاشی که البته چندان با توفیق همراه نمی‌شود و برخی از تکنیک‌های به‌کار رفته، ابتدایی و دم‌دستی نشان می‌دهند. اصولاً ساخت آثاری از این دست برای مخاطبی که به مدد لوح‌های فشرده، آخرین و جدیدترین فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی بر خوردار از جلوه‌های ویژه را دیده‌است، آن هم با امکانات نرم‌افزاری موجود در کشور، سخت و پیچیده به نظر می‌رسد. با این همه، نباید از مدار انصاف خارج شد و به این نکته اذعان نکرد که برخی از جلوه‌های ویژه به‌کار رفته در سریال «ملکوت»، دیدنی و چشم‌نواز از کار درآمده است.

اثر محمدرضا آهنج به لحاظ سوژه و در مقیاس تلویزیون ایران، از یک موضوع به‌نسبت بکر و جذاب بر خوردار است. عالم برزخ و ویژگی‌های برآمده از آن و گشوده شدن چشم برزخی «حاج‌فتاح» در رفت‌وآمدهایی که به دنیا دارد، به‌خودی‌خود می‌تواند حس کنجکاوی جامعه هدف مخاطب سریال را برانگیزاند. اتفاقاً موج انتقاداتی که به این سریال در زمان پخش وارد شد به‌نوعی نشان از دیده شدن و پر مخاطب بودن آن دارد. حضور فرشته مراقب با بازی کوروش تهامی و با آن گریم عجیب و غریب هم، از دیگر موارد بحث‌برانگیز سریال «ملکوت» است که با انتقاداتی از سوی کارشناسان مذهبی همراه بود. ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که با مجموعه «ملکوت» بود که برای اولین بار در تلویزیون شمایل یک فرشته به تصویر کشیده می‌شد و از این منظر این اثر را باید یک سریال پیشرو و خط‌شکن بر شمرد. آهنج در مقام کارگردان سریال «ملکوت»، بخشی از کاستی‌ها و نقاط ضعف اثر خود را ناشی از زمان کم برای ساخت و به آنتن رساندن آن ذکر کرده است.

شاید استفاده از یک بازیگر دیگر برای نقش آفرینی کاراکتر «حاج‌فتاح سلطانی» می‌توانست عامل موثری باشد برای ملموس‌تر شدن و هم‌ذات‌پنداری مخاطب با این شخصیت. محمدرضا شریفی‌نیا قبل از بازی در شمایل «حاج‌فتاح»، ایفای نقش کاراکترهای مشابه البته با رگه‌هایی از طنز را در آثار سینمایی برعهده داشت و همین موضوع، باورپذیر بودن این شخصیت را برای مخاطب با چالش و ناباوری همراه می‌کرد. کوروش تهامی هم هر چند تمام تلاش و تجربه خود را برای هر چه بهتر درآوردن کاراکتر فرشته به‌کار گرفته است اما نتیجه چندان راضی‌کننده از آب درنیامده و شاید انتخاب بازیگر دیگری که مخاطب کمتر با آن آشنایی داشت، می‌توانست فرشته ملموس‌تری را به بینندگان ارایه دهد.

با این حال، سریال «ملکوت» از ویژگی‌ها و نقاط قوتی برخوردار است که می‌تواند هر مخاطب با هر سلیقه و سطح توقعی را با خود همراه کند و تا پایان کار پای تلویزیون بنشانند. کشمکش‌های خانواده «حاج‌فتاح» در زمان به کما رفتن او، دسیسه‌های «سرمست» و مروری بر اعمال تاجر متمول و آثار آن‌ها بر زندگی‌اش در دنیا و کارنامه اخروی‌اش از جذابیت‌های سریال «ملکوت» است. حضور تیمی از بازیگران توانمند و کار کشته همچون پروانه معصومی، ایرج نوذری، فریبا متخصص، آهو خردمند، نیما شاهرخ‌شاهی، کمند امیرسلیمانی، رز رضوی و ترلان پروانه در کنار محمدرضا شریفی‌نیا، کوروش تهامی و رضا رویگری از دیگر نقاط سریال «ملکوت» است که در ترغیب مخاطب به تماشا و پیگیری این اثر ماورایی نقش مهمی را ایفا می‌کند. انتخاب سریال «ملکوت» با همه نقاط قوت و ضعفش برای پخش از کانال عربی شبکه آی‌فیلم یک گزینه‌ش مناسب و هوشمندانه به نظر می‌رسد، از این منظر که مخاطبان عرب‌زبان عموماً مسلمان این کانال با مسائلی همچون عالم برزخ آشنایی دارند و از جمله دغدغه‌های آن‌هاست.

مخاطبان عرب‌زبان آی‌فیلم به تماشای مجموعه‌ای نشست‌ه‌اند که با برخورداری از یک قصه جذاب، جلوه‌های ویژه به‌نسبت قابل قبول و نقش آفرینی‌های روان و حرفه‌ای بازیگرانش یک اثر قابل تامل و جذاب به نظر می‌رسد.